

خدامان افتخاری امام رضا (ع) حاضر به انجام هر کاری برای جلب رضایت زائران هستند

میهمان آقا، عزیز ماست



حسین برادران فر- دربان، فراش، حافظ مال و جان، یاور و یاری رسان و... این ها همه کلماتی است که به محض گفتن «خادم» در ذهن هر فرد متبادر می شود. ساده تر که بگوییم خادم فردی است که در راه خدمت به امام رضا (ع) از هیچ کاری فروگذار نیست. با این معنی که بنگریم، در اطرافمان خدامان افتخاری بسیاری خواهیم یافت که برای امام رضا (ع) حاضر به انجام هر کاری هستند. منتها این خدمتگذاری در زمان هایی از سال، مانند سالروز ولادت و شهادت امام رضا (ع) نمود بیشتری پیدا می کند. به بهانه سالروز ولادت امام رضا (ع) به گفتگو با برخی خدامان افتخاری منطقه مان پرداختیم و از خاطرات میزبانی شان شنیدیم.

تاکسی صلواتی امام رضا (ع)

سیدکمال علوی، سال هاست که خادم افتخاری زائران حریم رضوی است. او در تعریف خاطراتش به دوران کودکی برمی گردد و می گوید: «بچه که بودم، با بچه های محله قرار گذاشتیم شب شهادت امام رضا (ع) پیاده به حرم برویم، بعدها که بزرگ تر شدیم با همان بچه های محله، ایستگاه صلواتی برپا کردیم و از زائران پیاده پذیرایی می کردیم». سیدکمال علوی با انتخاب شغل تاکسی رانی در اطراف حرم، فرصت مناسبی برای خدمت به زائران رضوی پیدا می کند. او می گوید: «وقتی که زائری را سوار می کردم، با مهربانی و خوشرویی با او رفتار می کردم و حتی هزینه کمتری می گرفتم تا احساس غربت و تنهایی نکند، هر سال نیز در روزهای ولادت و شهادت امام رضا (ع) مسافران و زائران را به صورت رایگان به حرم امام رضا (ع) می بردم، حالا هم که باز نشست شدم پسر که راننده ون است، این وظیفه را به عهده گرفته و در روزهای ولادت و شهادت امام رضا (ع) زائران و مسافران را به صورت رایگان جابه جایی می کند». سیدکمال به نسل جوان خوش بین است و می گوید: «گاه انتقادات و گلایه هایی درباره نسل جوان از دوستانم می شنوم اما معتقدم که عشق و علاقه آن ها به ائمه بیشتر از ماست و نسل جوان امروز به خاطر امکانات و دانش زیادی که دارد، از نسل ما موفق تر خواهد بود. وظیفه ماست که راه دوستی و ارتباط با آن ها را پیدا و برای هدایت و جذبشان تلاش کنیم».

به آقا سلام داد و همانجا فوت کرد

حسن عصری، خادم افتخاری دیگری است که دو سال متوالی در ایستگاه صلواتی استقبال از زائران پیاده خدمتگزاری کرده است. او در تعریف تجربیات دوساله اش می گوید: «از دو سال قبل به عنوان خادم افتخاری ایستگاه صلواتی منزل آباد، خدمت رسانی به زائران پیاده امام رضا (ع) را شروع کردم، در حقیقت وظیفه اصلی من تهیه مایحتاج و مواد غذایی آشپزخانه ایستگاه صلواتی است اما هرکاری از ماساژ تا طبخ و توزیع غذا و انتظامات ایستگاه لازم باشد، انجام می دهم.» در تمام این دوسال یک شب

فراموش نشدنی، در ذهن حسن عصری حک شده که او در تعریف خاطره آن شب می گوید: «یک شب که مشغول خدمت رسانی به زائران پیاده در ایستگاه صلواتی آیتا... شاهرودی بودیم، عده ای از زوار که از شهرهای جنوبی کشورمان با کمک یکی از خیرین برای اولین بار به زیارت حرم امام رضا (ع) آمده بودند، برای استراحت وارد ایستگاه صلواتی شدند، یکی از زوار که خیلی بی تاب زیارت امام رضا (ع) بود، با اصرار تمام از ما خواست که همین نیمه شب او را به حرم ببریم، من و یکی دیگر از خدامان ایستگاه از او خواستیم تا صبح صبر کند اما وقتی اصرارش را دیدیم، او را سوار ماشین کرده و به حرم بردیم. این زائر جنوبی که خیلی متقلب شده بود و به شدت گریه می کرد، هنگام ورود به صحن جامع رضوی، سلامی به آقا داد و همانجا فوت کرد. در همان شب همراهان زائر فوت شده، بعد از طواف جنازه اش در حرم امام رضا (ع) او را تشییع کرده و به خاک سپردند، همراهانش می گفتند: از روی اومد فون شدن در جوار بارگاه امام رضا (ع) بود و امام رضا (ع) او را به آرویش رساند».

ذکر یا امام رضا (ع)، رمز پیروزی لشکر خراسان

مهدی نوری، از جانبازان دفاع مقدس، به اتفاق همزمان دیروز و همسایگان امروز جانبازش چندین سال است که انتظامات ایستگاه های صلواتی و استقبال از زائران پیاده را به عهده دارد. او ما را با خود به شب های عملیات می برد و می گوید: «زمان جنگ، در شب عملیات به همراه بچه های مشهد جمع می شدیم و با خواندن دعا و زیارت و توسل به امام رضا (ع) از اومی خواستیم که یاری مان کند، ذکر بیشتر بچه های مشهد در هنگام جنگ نیز یا امام رضا (ع) بود، معمولاً هم جواب می داد، در عملیاتی که بچه های مشهد و خراسان حضور داشتند شانس پیروزی بالا می رفت. به خاطر همین پشتوانه معنوی و الهی و نیز نقش مهم لشکر ۷۷ خراسان در شکستن حصر آبادان، این لشکر لقب پیروز گرفت و به لشکر پیروز خراسان معروف شد. تأثیر این توسل به قدری بود که حتی سربازان استان های دیگر نیز از ما تقلید کرده و با بستن سربندهای یا امام رضا (ع)

خودشان را بیمه می کردند. یکی از همرزمانم که به اسارت در آمده بود، تعریف می کرد در دوران اسارت زندان بانان عراقی وقتی متوجه می شدند که اسیری مشهدی است کمتر اذیت و آزارش می کردند».

جانم را می دینم امام رضا (ع) هستم

محسن آقاجانی فرد، یکی دیگر از جانبازان دفاع مقدس است که زندگی اش را می دینم امام رضا (ع) است. او در دوران نوجوانی در جلسات روضه حاج احمد کافی به عنوان خادم امام رضا (ع) پذیرایی از حاضران جلسه را به عهده داشته است. محسن آقاجانی جوان که از دوره کودکی ارتباط خوبی با امام رضا (ع) داشته، در سال های جنگ نیز قبل از اعزام به جبهه، به حرم مطهر می رود و از امام رضا (ع) می خواهد او را از شر دشمن حفظ کند. او می گوید: «در یکی از عملیات هادشمن ما را در جزیره مجنون زمین گیر کرد و با هواپیماهایش مدام مواضع ما را بمباران می کرد؛ به نحوی که خاک جزیره زیر و رو شده بود و هیچ کس فکر نمی کرد حتی جنازه یک نفر از ما پیدا شود. در

امام رضا (ع)؛ بهترین دکتر مشهد

اسحاق مردانی، یکی دیگر از جانبازان جنگ تحمیلی است که به همراه گروه هیئت جانبازان سامان انتظامات مراسم مذهبی و استقبال از زائران پیاده رضوی را به عهده دارد. او امام رضا (ع) را بهترین دکتر مشهدی می خواند و دلیلش را چنین عنوان می کند: «در زمان جنگ سه بار دچار مجروحیت شدید شدم و هر بار با توسل به امام رضا (ع) بهبود یافته و دوباره به جبهه رفتم. هر وقت نیز با مشکلی سخت و حل نشدنی مواجه می شوم با تکیه به امام رضا (ع) مشکل حل می شود. مدتی قبل یکی از فرزندانم دچار بیماری سخت و لاعلاجی شد، چنان که به هر بیمارستان و دکتر می مراجعه می کردم جواب رد می شنیدیم. دیگر از دکترها قطع امید کرده بودیم، یکی از دوستانم که متوجه مشکل

یکی از زوار که خیلی بی تاب زیارت امام رضا (ع) بود، با اصرار تمام از ما خواست که همین نیمه شب او را به حرم ببریم، من و یکی دیگر از خدامان ایستگاه از او خواستیم تا صبح صبر کند اما وقتی اصرارش را دیدیم، او را سوار ماشین کرده و به حرم بردیم، هنگام ورود به صحن جامع رضوی، سلامی به آقا داد و همانجا فوت کرد

